

در باب فهرست نویسی

سید سعید میر محمدصادق



درباره فهرست نویسی باید اذعان داشت که از بدو نگارش کتاب و تنوع و تکثر آن و نیز از زمان نگهداری آن، سیاهه برداری و فهرست نویسی از مطالب، موضوع و تعداد کتاب‌ها نیز پا به عرصه نهاده است. در سرگذشت ابن سینا خوانده ایم که او مدتی در کتابخانه نوح بن منصور سامانی (۳۶۶-۳۸۷ ه.ق.) اوقات عمر را گذرانیده، که در این کتابخانه فهرستی داشته که شیخ بدان می‌نگریست و کتاب‌هایی را که نیاز داشت از میان کتب برمی‌گزید. مقریزی (۷۶۴-۸۴۵ ه.ق.) در کتاب خطط اشاره به کتابخانه دارالعلوم فاطمیان در قاهره کرده که در کاخ شاهی قرار داشته است. این کتابخانه طبق گفته مقریزی چندین رف داشت و در یک تالار بزرگ و هر رف دری داشت که بسته می‌شد و بر هر دری برگی می‌چسباندند و روی آن نوشته می‌شد که چه کتاب‌هایی در آن جا هست. ابن جماعه بدرالدین محمد کنانی حموی شافعی (۶۳۹-۷۳۳ ه.ق.) در تذکره السامع و المتکلم فی ادب السامع و المتعلم به سال (۶۷۲ ه.ق.) و شهید ثانی زین الدین شلمی عاملی شیعی (۹۱۱-۹۶۶ ه.ق.) در کتاب منیه‌المیرید فی ادب المفید و المستفید به سال ۹۵۴ پس از بیان چگونگی ترتیب قرار دادن چیدن کتاب در قفسه‌ها و طبقات می‌نویسند:

«کتاب‌ها را بدین گونه، نخست قرآن که بهتر است به دیوار بیاویزند، سپس حدیث و تفسیر و شرح حدیث و اصول دین و اصول فقه و فقه و ادب روی هم به چینند و اندازه کوچک باید در روی باشد، تا کتاب‌ها نریزند و نام کتاب را باید زیر هر صفحه نوشت و آغاز کتاب باید در روی باشد. اگر کتاب چند جلد است باید در پایان هر یک نوشت که این جلد انجام گرفت و پس از آن جلد دیگری هست...»

قسمت اعظم تفکر بشر از راه میراث مکتوب از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا کرده است، لذا آگاهی از محتوای هر کتاب با توجه به تکثر مؤلف و تنوع موضوع در نقاط مختلف نیاز مبرری بوده است و به همان اندازه که بشر به کتابت مشغول بوده، در امر فهرست نویسی برای آسان یاب نمودن آن نیز کوشا بوده است.

در نخستین متن‌های پارسی دری به جای مانده از روزگاران پیشین شواهدی در دست است که به فهرست نویسی تاکید داشته و حتی برای نحوه انجام آن نیز موازین خاصی در نظر گرفته شده است. در مقدمه شاهنامه ابومنصوری، که یکی از قدیمی‌ترین آثار نثر فارسی (تحریر ۳۴۶ ه.ق.) است، نحوه تألیف کتاب و تهیه فهرست آن را چنین نوشته است:

«پس دانایان که نامه خواهند ساختن ایذون سزد که هفت چیز به جای آورند: هر نامه را، یکی بنیاذنامه، یکی فرمانه، سدیگر هنر نامه، چهارم نام خداوند نامه، پنجم مایه و اندازه سخن پیوستن، ششم نشان‌داذن از دانش آن کس که نامه از

Author:

Title:

Descrip

Notes:

بهر اوست، هفتم درهای هر سخنی نگاهداشتن.....»

فهرست، کلمه‌ای است عربی که از تغییر کلمه «پهرست» (Pehrest) پهلوی به دست آمده است. که به معنای «به راست» آمده و مجازاً به مفهوم جدول است که با واژه پیناکس Pinax یونانی که از آن لوح نوشتنی و سیاهه و فهرست خواسته می‌شود برابر است، و منظور از آن یکی، تفصیلی است در ابتدای هر کتاب که در آن از ابواب و فصول کتاب شناسایی به خواننده می‌دهد و دیگر، نوشته‌ای را گویند که در آن اسامی کتاب‌ها باشد.

عالمان و اندیشه‌وران در گذشته همچون محققان امروزی برای خلق اثر فکری و معنوی خود نیاز به اطلاعات کافی از دیگر کتاب‌ها و موضوعات مورد مذاقه خود داشته، که فهرست نویسان این کار را برای ایشان تسهیل می‌کردند.

با بررسی فهرست‌هایی که از گذشته به جای مانده، مشخص می‌شود که این گونه گنجورهای خزانه سه شیوه در تهیه فهرست خود در نظر داشتند: گروهی از فهرست نویسان در تهیه فهرست، تالیفات عالمی خاص را در نظر داشته‌اند، به طور مثال ابوریحان بیرونی مصنفات رازی را نوشته است. فهرست مؤلفات خود نوشت نیز شامل مورد اول است، مانند معرفی علامه حلی از ۵۴ کتاب خویش که ضمن اجازه به مهنا بن سنان ارائه کرده است، برخی دیگر از فهرست نویسان کتاب‌های علمای معاصر و در گذشته را با نگرشی کلی و موضوعی - بدون در نظر داشتن به در دسترس بودن یا نبودن آنها - فهرست می‌کردند که می‌توان به فهرست ابن ندیم، شیخ طوسی و اشاره کرد، سومین دسته، افراد بودند که فهرست موجودی کتابخانه‌های شخصی مثل کتابخانه صاحب بن عباد و یا کتابخانه‌های عمومی مثل دارالحکمه بغداد را تهیه می‌کردند.

فهرست نویسان در هر یک از شیوه‌های فوق به سه روش انتقادی، موضوعی و تاریخی در باب کتاب‌شناسی توجه داشتند. فهرست نویسی که فهرست خود را به روش انتقادی انجام می‌داد، بیشتر به موضوع محتوا و تطبیق آن با موازین شرعی و اخلاقی و یا درستی دلایل و براهین نویسنده توجه می‌کرد و به ندرت شکل و نظام ساختاری کتاب‌ها را نقد و بررسی کرده است. نمونه مهم این روش کتاب «سعد السعود» ابن طاوس است که از فهرس مفید در کتاب‌شناسی انتقادی نگارش‌های قرآنی تا قرن ۶ ه.ق. به شمار می‌رود. در روش

موضوعی، فهرست نویس بیشتر نگارش‌های پیشین و هم عصر خود را به اعتبار موضوع طبقه بندی کرده است. همچون فهرست ابن ندیم، و در روش تاریخی ما شاهدیم که فهرست نویس تأثیر و تأثرها، پیشینه و پسینه آثار و سرچشمه اندیشه‌ها، معرفت‌ها و یافته‌ها را مورد مذاقه قرار داده است. مانند کتاب «الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاريخ» تالیف سخاوی و نیز کتاب «کشف الظنون» حاجی خلیفه.

بدین نحو در تاریخ ایران و اسلام یا سیره فهرست‌نگاری از نسلی به نسل دیگر تا قرون حاضر انتقال پیدا کرد، تا این که با ظهور صنعت چاپ در قرن ۱۵ و پیشرفت آن در قرون اخیر، کتاب‌ها یا به عبارتی نسخ خطی قدیم، جنبه صندوقی پیدا کرده و گنجینه‌ای و موزه‌ای شدند. با گنجینه‌ای شدن نسخ خطی، فهرست نویسی اهمیت بیشتری پیدا کرد و آن را در زمره علوم و فنون نیز به شمار آوردند. از آن جهت بدان «فن» اطلاق کردند که به گردآوری اطلاعات مربوط به نسخه و کتاب اهتمام دارد و به لحاظ آن که به تحلیل تاریخی اطلاعات درباره نسخه خطی پرداخته می‌شود، در حوزه علوم قرار دادند.

بدین ترتیب فهرست نویسان جدید، در تهیه فهرس خود همواره به دو اصل مهم توجه داشتند:

اولین اصل برای یک فهرست نویس، کتاب‌شناسی است که اطلاعات آن برای نسخه، ثابت، معین و غیر قابل تغییر است و مربوط به قسمت‌های معنوی یک اثر است که شامل عنوان، زبان، موضوع، مولف، مترجم، شارح، محشی، فهرست ابواب و مندرجات، نام مهدی الیه، منابع و ماخذ مولف در نگارش اثر، و دفعات و بیان بهترین چاپ می‌شود و جنبه علمی هم دارد. دومین اصلی که یک فهرست نویس بدان متوجه است، نسخه شناسی است که اطلاعات آن متغیر و غیر ثابت نسبت به نسخه‌های متعدد از یک کتاب خاص است، مانند کاغذ، تعداد و اندازه اوراق، نوع خط و قلم، تعداد سطور هر صفحه، کاتب، تاریخ و محل تحریر، آرایش‌های صفحات، حواشی، مقابله و تصحیح، یادداشت‌های اوراق صدر و ذیل نسخه، نام واقف و تاریخ وقف، تمکلات، نوع جلد و آرایش‌های آن، که این اطلاعات بیشتر مرتبط با قسمت‌های ظاهری و فیزیکی نسخه است و جنبه تجربی و عملی دارد.

یک فهرست نویس با توجه به موارد فوق در تهیه فهرست نسخه‌های خطی باید علاوه بر خبرگی، از دقت نظر و فراخی حوصله به نحو مطلوب برخوردار باشد تا بتواند با مطالعه کل

یک اثر، اطلاعات مولف و محتوای آن را استخراج کند؛ همچنین او باید با بررسی یک نسخه خطی در شناسایی کاتب، خطاط، نوع قلم (شش، چهار، سه، دو، نیم دانگ، قلم کتابت، قلم زر، قلم لاجورد، سنگرف)، نوع خط (ثلث، محقق، ریحان، نسخ، توقیع، رقاع، تعلیق، نسخ جدید، نستعلیق، شکسته تعلیق، شکسته نستعلیق) و سیاق و انواع کیفیت خط (عالی، ریز، چلیپا، ممتاز، مشکول، خوب، شیرین، ناخوش، تحریری، نازیبا، عثمانی، مغربی، هندی، ماوراءالنهری، ترک، خوش، استادانه، کم نقطه، بی نقطه و...) و تشخیص قدیم و جدیدی و جلی و خفی بودن خط، مشخص کردن نوع جلد (ساغری که از پوست اسب یا خر ساخته می شود و دانه دانه است، تیماج که از پوست گوسفند است و درشت و گاهی نازک است، چرمی که گاهی کلفت است، میشن که پوستی است نرم، سختیان یا پوست بز، مقوایی، پارچه ای، جلد روغنی ضربی که سوخت است) و آرایش های جلد و کاغذ (شمسه، سرلوح، سرفصل، کتیبه، جدول، طلااندازی بین سطور، کمند، رنگ نویسی، حاشیه بندی روی اندرون سوخت، قابسازی شده، شرفه، حل کاری،

قطاعی، تحریر، ترنج، نیم ترنج، لچکی) ثبت کردن اندازه کتاب (به قطع بازوبندی، بقلی، جانمازی، حمایلی، رقعی، ربعی، نیم ربعی، وزیر، وزیر کوچک، وزیر بزرگ، خشتی، خشتی باریک، سلطانی یا شاهانه، رحلی، رحلی کوچک، رحلی بزرگ) و نوع شیرازه بندی آن (عطف، سرطبل، دغه، قلق) مشخص کردن نوع کاغذ و جنس و کیفیت آن (خانبالغ، سمرقندی، خطائی، بخارایی، سپاهانی، دولت آبادی، بغدادی، ترکی، مصری، کشمیری، ترمه، فستقی، فرنگی قدیم، فرنگی جدید، با کیفیت سفید درخشان، صاف، نرم، هموار، صیقلی، مهر خورده، ضخیم و بی دانه و نوع جنس ورق، پوستی، دفتری، ابریشمی، گاهی، مشقی)، مشخص کردن تذهیب و ترصیع و تشعیر نسخه و



مکاتب آن (سلجوقی و مغولی، مکتب هرات، مکتب تبریز، مکتب اصفهان، مکتب شیراز افشاری و زندی، مکتب قاجاری و مکاتب مرسوم خارج از ایران همچون هندی، چینی، ترکی، ترکستانی، عربی، مصری، مغربی) تشخیص نوع نقاشی و نگارش گری و مینیاتور و مکاتب آن (مکتب عباسی بغداد، مکتب سلجوقی، مکتب رازی، مکتب مغولی، مکتب هرات، مکتب صفوی، و مکتب قاجاری) کوشا باشد. یک فهرست نویس علاوه بر این که باید از خطوط مختلفی که در فوق بدان اشاره شد، شناخت داشته باشد. باید قادر به خواندن آن نیز باشد. فهرست نویس باید با مقابله، تصحیح، سماع و قرائت آشنا بوده و به منابع و مأخذ رجالی و کتاب شناسی تسلط وافی داشته باشد.

آشنایی به زبان نسخه های خطی بویژه در جهان اسلام یکی از وظایف یک فهرست نویس است، البته این بدان معنا نیست که فهرست نویس همه زبان های رایج جهان اسلام، را فرا گیرد. بلکه به طور مثال یک فهرست نویس ایرانی باید در زمینه فهرست نویسی به دو زبان فارسی و عربی تسلط کافی و یانسی داشته و از الفبای دیگر زبان های محدوده نسخه های خطی جهان اسلام همچون ترکی جغتایی و مغولی (متداول با الفبای ایران نه الفبای لاتین و روسی) کردی، پشتو، اردو، گجراتی و... حداقل آشنایی را برای خواندن دارا باشد. علاوه بر همگی موارد ذکر شده، یک فهرست نویس باید به یادداشت های مکتوب در اوراق اول، وسط، و آخر نسخه در باب رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، سیاسی، مانند یادداشت هایی درباره جنگ و صلح، غارت، و آبادانی، زلزله، قحطی، سیل، هجرت، نفی بلدها، تبادل ارزش پول و جنس در طول تاریخ حیات نسخه، تقریض ها، اجزات، شرح حال علما و برخی سوانح زندگی و مکاتیب آنان، اشعار شعرای مشهور و گمنام، تاریخ تولد و وفات بعضی افراد که عموماً از منتسبین واقف مالک، کاتب و یا مولف است، عرض دیده ها (تطبیق

عناوین کتب کتابخانه‌ها با دفاتر ثبت اموال) یادداشت‌های تملک به انضمام مهرهای مختلف بیضوی، بادامی، مربعی، مستطیلی شکل، متعلق به مالک، کاتب، مطالعه کننده، مولف، مقابله کننده، مصحح، مجیز و مجاز، کتابخانه، واقف، نسخه‌های طبی و کیمیاوی، برخی زیارات و ادعیه، احراز، فتوحات، طلسمات و عوذات، نکات لغوی، تفسیری رجالی، اخباری، احادیث نبوی (ص) و معصومین (ع)، نسبت نامه‌ها، وقف مالک نسخه به اولاد، خاندان یا کتابخانه، مدارس علمی، خانقاه‌ها و غیره، توجه کند.

یک فهرست نویس چنانچه کلیه اطلاعات فوق را در یک نسخه ملاحظه کرد، باید مورد به مورد را در آن باب بیان کند و سرانجام وضعیت فیزیکی کنونی نسخه را به لحاظ آب افتادگی، موریانه خوردگی، پارگی و مواردی همانند آن را برای خواننده فهرست تشریح کند.

برای اولین تلاش‌های فهرست‌نویسی با روی کرد جدید و به سبک نوین می‌توان به فهرستی که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی، توسط شیخ محمد خالصی، مرتضی قلیخان نائینی، حاج عمادالمحققین، واعظ تهرانی معروف به عماد فهرستی، میرزا علی اکبر شهیدی و ثقه الاسلام او کتابی برای کتاب‌های خطی و چاپی کتابخانه آستان قدس رضوی تهیه و چاپ شده است، اشاره کرد. از این پس عالمان و محققان دیگری با کوشش‌های پیگیر و خالصانه‌ای این راه را ادامه دادند و بسیاری از کتابخانه‌های مهم کشور را تحت پوشش قرار داده‌اند. حتی از دهه ۴۰ به بعد با اهتمام استاد ایرج افشار و

مرحوم محمد تقی دانش پژوه، کتابخانه‌های مساجد، مدارس، شخصی و کوچک با اندک نسخ خطی نیز پا راه‌اندازی مجله‌های نسخ خطی تحت پوشش قرار گرفت که این مجله در دهه پنجاه برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی، عراق، کویت و عربستان را نیز شامل شد. با گذشت دهه پنجاه علاوه بر ادامه فهرست‌نویسی نسخ خطی کتابخانه‌های ایران، با تاسیس مرکز تحقیقات فارسی ایران در پاکستان، فهرست نسخ خطی فارسی شبه قاره نیز به اهتمام اندیشمندان ایرانی و پاکستانی فهرست برداری شد. در همین دهه استاد احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی را به چاپ رساند که کار بسیاری از محققان را آسان نمود. ایشان در دهه ۶۰ این کار را برای نسخه‌های خطی فارسی که در پاکستان موجود بود نیز انجام دادند که جایزه سال کتاب جمهوری اسلامی ایران را دریافت کردند. در دهه هفتاد با تاسیس مرکز نشر میراث مکتوب کار فهرست برداری از نسخ خطی مراکز گمنام که تا به حال ذکری از آنها نبوده، به عنوان بخشی از فعالیت‌هایش در نظر گرفته شد. فهرست‌های خوی، آمل و خالوس حاصل این تلاش بوده و مابقی در دستور

کار قرار دارد. در این دهه همچنین کتابخانه‌های جدید، مراکز علمی نوین و... که به نسخ خطی دسترسی داشتند در کنار مراکز و کتابخانه‌های قدیم، فهرس نسخ خطی خود را منتشر ساختند. استاد احمد منزوی نیز با توجه با افزایش فهرس نسخ خطی کار سترگ فهرستواره نسخ خطی را که حاصل مذاقه در بیش از ۵۰۰ فهرست نسخ خطی است، به دست چاپ سپردند. در دهه هفتاد به صورت مشترک فهرست برداری از نسخ خطی فارسی در کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، روسیه، رومانی و یمن شروع شد و بسیاری از آنها هر چند در شیوه فهرست‌نگاری اشتباه و اغلاط فراوانی دارند به چاپ رسیده‌اند.

با حضور در یک گنجینه نسخ خطی، با انبوهی از فهرس نسخ ویژه آن گنجینه یا دیگر جای‌ها برمی‌خوریم که این فهرست‌ها و معلوماتی غنی برخی از آنان حاصل تلاش جمعی میراث‌بانانی همچون مرحوم میرزا یوسف خان (اعتماد الملک) مرحوم ابن یوسف شیرازی، مهدی مولایی، مرحوم دانش پژوه، احمد گلچین معانی، استاد عبدالحسین حائری، مرحوم سعید نفیسی، محمود فاضل یزدی مطلق، احمد حسینی، اشکوری، عبدالله انوار، سید محمد باقر حجتی، علینقی منزوی، احمد منزوی، ایرج افشار، کاظم مدیر شانه‌چی، دکتر سید علی اردلان، محمد روشن، محمود فاضل رضا استادی، پرویز اذکابی، نجیب مایل هروی، محمود طیار مراغی، علی صدرایی خویی، حبیب‌الله عظیمی، محمد حسین تسبیحی، سید محمود مرعشی، نجفی علی بهرامیان، فخری راستگار، فریبا افکاری و... است.

منابع:

- مایل هروی، نجیب: نقد و تصحیح متون، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- مایل هروی، نجیب: کتاب آرای در تمدن اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- مایل هروی، نجیب: تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، ناشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ناشر: چاپ اول، ۱۳۸۰.
- وفادار مرادی، محمد: مقدمه‌ای بر اصول و قواعد فهرست‌نگاری در کتب خطی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- بنائی، مهدی: کتاب‌شناسی کتاب‌های خطی، به اهتمام حسین محبوبی اردکانی، تهران، انجمن آثار ملی ایران، چاپ اول، ۱۳۵۳.
- دانش پژوه، محمد تقی: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۲، ج ۱۲، ۱۳۴۰.